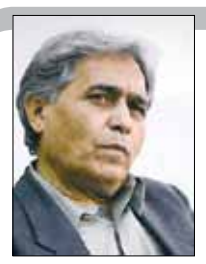

نکوداشت ویکتور دارش برگزار می‌شود

دبیر هفتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران از برگزاری نکوداشت ویکتور دارش در اختتامیه این رویداد خبر داد. به گزارش هنر آنلاین، کورش گلنارى با اشاره به نقش پررنگ ویکتور دارش در راه‌اندازی رشته مجسمه‌سازی پس از انقلاب اسلامی ایران به خبرنگار هنر آنلاین گفت: ویکتور دارش از جمله اساتید برجسته‌ای است که بخش مهمی از هنر مجسمه‌سازی مدیون ایشان است. وی در آموزش و جان بخشیدن به رشته مجسمه‌سازی نقش مهمی داشته است لذا مراسم اختتامیه هفتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران به نکوداشت این چهره برجسته اختصاص دارد. هفتمین دوسالانه مجسمه‌سازی تهران با تم «وضعیت» با حمایت دفتر هنرهای تجسمی و با همکاری انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران و موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر ۱۴ شهریور تا ۲۲ مهرماه در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود.

اخبار

آخرین اثر «داوینچی» در انتظار حراج ۱۰۰ میلیون دلاری

پیش‌بینی می‌شود آخرین اثر «لئوناردو داوینچی» در حراجی معروف کریستیز به رقم ۱۰۰ میلیون دلار به فروش برود.

به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، آخرین اثر به جامانده از «لئوناردو داوینچی» در دست مجموعه‌داران شخصی و یکی از حدود ۲۰ اثر به جا مانده از این نقاش نامدار ایتالیایی به زودی در حراجی کریستیز به فروش خواهد رفت. بر اساس پیش‌بینی‌ها، این نقاشی معروف از چهره حضرت مسیح (ع) که به سال ۱۵۰۰ میلادی بازمی‌گردد، در حراجی ۱۵ نوامبرِ کریستیز با قیمت ۱۰۰ میلیون دلار به فروش خواهد رفت تا یکی از ارزشمندترین آثار هنری نام گیرد که تاکنون در یک حراجی به فروش رفته است. «آلن وینترمیوت»، متخصص ارشد حراجی کریستیز در حوزه نقاشان استاد بزرگ معتقد است، این نقاشی یکی از بزرگترین کشفیات آثار هنری است که گاهی از آن به عنوان نسخه مذکر «مونا لیزا» یاد می‌شود و سال‌ها بود که گمان می‌شد گم شده و یا از از بین رفته است. در این نقاشی حضرت مسیح (ع) با لباسی آبی با نوارهای قرمز و در حالی که گوی بلورینی در دست دارد به تصویر کشیده شده است. این اثر نقاشی اولین‌بار به سفارش مجموعه شخصی پادشاه چارلز اول کشیده شد و در سال ۱۹۷۳ چوب حراج خورد، اما پس از آن تا سال ۱۹۰۰ ناپدید شد. این نقاشی در سال ۱۹۵۸ در حراجی ساتبی به یک مجموعه‌دار آمریکایی فروخته شد و مجددا در سال ۲۰۰۵ به فروش رفت. مالک جدید این اثر نقاشی فرآیند مرمت آن را آغاز کرد و پس از شش سال آن را به عنوان اثر ۵۰۰ ساله «داوینچی» فروخت و در نهایت این اثر در سال ۲۰۱۱ در یک نمایشگاه در گالری ملی در لندن به نمایش گذاشته شد. «لئوناردو داوینچی» متولد سال ۱۴۵۲ میلادی در فلورانس ایتالیا بود و در مدت ۶۷ سال از عمر خود، صدها اثر هنری را که مشهورترین آن‌ها تابلوی «مونالیزا» یا «لبخد ژکوند» است، خلق کرد. او علاوه بر تبحر در نقاشی، در مجسمه‌سازی، طراحی و مهندسی بناهای تاریخی نیز یک استاد بود.

کتاب صوتی «بارون درخت نشین» منتشر شد

کتاب صوتی «بارون درخت نشین» اثر ایتالو کالوینو با صدای آرمان سلطان‌زاده منتشر شد.

به گزارش مهر، کتاب صوتی «بارون درخت نشین» بر مبنای کتابی با همین عنوان از ایتالو کالوینو که توسط مهدی سحابی ترجمه شده است، روانه بازار کتاب شد. در این اثر صوتی، آرمان سلطان‌زاده با موسیقی انتخابی توسط یحیی محسن‌پور به خوانش این کتاب پرداخته است. «بارون درخت نشین» نام کتابی از کالوینو است که برای نخستین بار در سال ۱۹۵۷ به چاپ رسیده است. این کتاب سرگذشت پسری را به تصویر می‌کشد که تصمیم می‌گیرد زندگی خود را به روی درختان سپری کند. ایجاد یک پادشاه درختی توسط پسر استعاره‌ای از استقلال معرفی می‌شود و چالش‌ها و فرصت‌های این عمل، دستمایه‌ای برای نویسنده به منظور بررسی پرسش‌های فلسفی بشر می‌شود. کالوینو از مهمترین نویسندگان ایتالیایی در قرن بیستم است که فضای انتقادی آثارش او را به نویسنده‌ای تاثیرگذار و قابل توجه در ایتالیا مبدل کرد. کتاب صوتی «بارون درخت‌نشین» از سوی موسسه آوانامه دانش‌گستر با همکاری موسسه انتشارات نگاه تولید شده است.

به دنبال حاشیه‌های خبر محکومیت سه خواننده بررسی شد

کپی‌رایت به حرف نیست!

فاطمه‌امین‌الرعایا
ft.aminoroaya@gmail.com

حدود ساعت ۲ ظهر دیروز خبری در شبکه‌های مجازی منتشر و به سرعت تبدیل به خبری داغ شد. بر طبق این خبر «رضا صادقی»، «سینا سرلک» و «علی لهراسبی» با شکایت اردلان سرفراز، ترانه‌سرا، به دلیل خواندن ترانه‌های «سوغاتی» و «محتاج» به دو سال حبس محکوم شدند. این خبر در فضای مجازی بدون تایید منبعی دست به دست می‌شد تا این سه خواننده در گفت‌گوهایی با خبرگزاری‌های مختلف نسبت به آن واکنش نشان دادند. فارغ از صحت و سقم خبر و چند و چون ماجرا، باید قبول کرد که در دنیای موسیقی کپی‌رایت چندان رعایت نمی‌شود و حمایت از یک ترانه‌سرا برای حفظ حق و حقوق مادی و معنوی‌اش اتفاق مبارکی است. اما آیا بودن یا نبودن کپی‌رایت تاثیری در رشد دنیای موسیقی ما خواهد گذاشت؟ کپی‌رایت چقدر از سوی اهالی ترانه و موسیقی رعایت می‌شود و این قانون چقدر برای آن‌ها حائز اهمیت است؟

ماجرا چه بود؟

طبق اعلام ایسنا، خبری در برخی سایت‌ها از جمله نوا منتشر شد؛ مبنی بر اینکه «علی لهراسبی، سینا سرلک و رضا صادقی (خواننده) به اتهام مشارکت در سرقت ادبی از سوی شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی کارکنان دولت تهران گناهکار شناخته شدند که رای صادره برای این سه خواننده مطرح و مردمی تحمل دو سال حبس تعزیری است. علی لهراسبی و رضا صادقی ترانه «سوغاتی» از اردلان سرفراز را خوانده و منتشر کرده بودند؛ قطعه «برخیز» با صدای سینا سرلک که به عنوان یکی از قطعات سریال پربیننده شهرزاد منتشر شده بود نیز در گذشته با صدای ابراهیم حامدی و با نام محتاج منتشر شده بود که سروده اردلان سرفراز است. اردلان سرفراز با وکالت صالح دادگر پیگیری های لازم را انجام داده است. این پرونده در دادگاه فرهنگ و رسانه بررسی و منجر به صدور کیفرخواست شده. سپس به شعبه ۱۰۶۰ دادگاه کارکنان دولت ارجاع و نهایتا رای صادر شده خبر از محکومیت این سه خواننده داشته است». در پی انتشار این خبر، این سه خواننده در تماس‌هایی که ایسنا با آن‌ها داشت نسبت به آن واکنش نشان دادند.

سه خواننده واکنش نشان دادند

بر این اساس مسعود دهقان به‌عنوان تهیه‌کننده و مدیر برنامه سینا سرلک با اشاره به اقامت موقت این خواننده موسیقی ایرانی در خارج از کشور گفت: ما از این طرح شکایت و برگزاری دادگاه بی‌اطلاع بودیم و امروز از طریق رسانه‌ها در جریان حکم صادرشده قرار گرفتیم. این حکم دادگاه غیابی بوده و قابل تجدیدنظرخواهی است و در اسرع وقت از طریق وکیل سینا سرلک به آن اعتراض خواهیم کرد. سینا سرلک از خوانندگان خوب کشور است و چنین حواشی از اعتبار و ارزش ایشان در بین مخاطبان کم نخواهد کرد.

رضا صادقی در واکنش به این موضوع با بیان اینکه احضاریه دادگاه به دست او نرسیده است، اظهار کرد: دو سال پیش در کانال تلگرامم صوتی منتشر شد که این قطعه در حد یک گیتار زدن و خواندن چهار بیت از شعر «سوغاتی» آقای سرفراز بود. در این صوت تلگرامی حتی صدای محیط و در و دیوار نیز شنیده می‌شود. یک هفته پیش وکیل من با من تماس گرفت و گفت چنین حکمی را داده‌اند؛ آن هم نه به دلیل این شکایت، بلکه گویا دادگاه اظهار کرده بوده چند بار برای ما احضاریه فرستاده اما من، آقای لهراسبی و آقای سرلک در دادگاه حاضر نشده بودیم. گویا به دلیل اینکه به دادگاه بی‌احترامی شده است این حکم را صادر کرده‌اند.

علی لهراسبی نیز در واکنش به حکم صادر شده، گفت: من تازه متوجه این موضوع شده‌ام، بعدا درباره آن صحبت خواهم کرد.

جای خالی مرجع قضائی

اما حمایت از یک ترانه‌سرا بر اساس قانون کپی‌رایت اتفاق خوبی است. علیرضا آذر، شاعر و ترانه‌سرا، درباره استفاده از ترانه‌ها بدون رعایت کپی‌رایت وبدون اطلاع ترانه‌سرا به «ابتکار» می‌گوید: من به عنوان یک شاعر و کسی که به شعرهایش بی‌مهری صورت گرفته و شعرهای من را دوستان بدون اجازه و اطلاع من خوانده‌اند، نبودن یک مرجع قضائی مناسب بابت این کار کاملا مشخص است و جای خالی آن احساس می‌شود.

او درباره اتفاقی که در مورد این سه خواننده رخ داده است، اضافه می‌کند: باید دید واقعا نیت حرفه‌ای نسبت به این موضوع وجود داشته یا این اتفاق سهوی رخ داده است. مثلا آقای صادقی گفته است کار سهوی بوده و من زمزمه‌ای کرده ام اما این را به صورت کار منتشر شده بولد کرده‌اند. در هر صورت وقتی اثری از روی میز کار شما خارج می‌شود و به گوش مردم می‌رسد، باید نسبت به حفظ کسی که مؤلف اثر و شعر بوده احساس مسئولیت کند و نباید آن را بدون ذکر نام انجام دهند.

سرقت شعر، سرقت اندیشه است

آذر سرقت شعر را سرقت اندیشه می‌داند و می‌افزاید: سرقت شعر چه به منظور زمزمه عادی باشد چه به عنوان یک کار حرفه‌ای، در هر صورت سرقت اندیشه است و نمی‌شود با این نوع سرقت به راحتی کنار آمد. بسته‌های اندیشمند زندگی را یک شخص بدون اجازه توسط شخص دیگری دریافت می‌شود و این شخص حتما بایدحق و حقوق مؤلف را بپردازد.

این ترانه‌سرا درباره برگزاری چنین دادگاهی در حمایت از حق و حقوق ترانه‌سرا و تأثیرش بر دنیای موسیقی می‌گوید: این اتفاق واقعا اتفاق خوبی است. من از اینکه این سه دوست عزیزی که خیلی هم به آنها علاقه دارم گرفتار چنین ماجرایی شده‌اند بسیار متأسفم. البته من مطمئنم این ماجرا یک بازی بوده و اتفاق به خصوصی نبوده و نیت سویی داشته‌اند. اما از آن طرف نسبت به ساز و کار رعایت شده نسبت به کپی‌رایت برنامه‌ها بسیار راضی و خوشحالم که شاعر حاشیه امنیت را احساس می‌کند و در شرایطی قرار می‌گیرد که احساس می‌کند دنیای پیرامونش دنیای امانت‌داری است. این موضوع به شاعر دلگرمی می‌دهد. گاهی پیش می‌آمد که شعری را می‌نوشتیم و در انجمنی قرائت می‌کردیم. بعد این شعر از انجمنی در استان دیگر سر درمی‌آورد. این خطر همیشه احساس می‌شد.

من هم شکایت می‌کنم

آذر با اشاره به اینکه آثار خود او هم بدون اجازه توسط دیگران خوانده شده است، ادامه می‌دهد: دو اثر از خود من توسط دو جوان رپر خوانده شده که اتفاقا من هم قصد شکایت دارم و این ماجرا باعث دلگرمی من شده تا وارد این جریان شود و نسبت به اقدام این چند جوان شکایتی را تنظیم کنم.

مشکل ریشه‌ای است

سرقت ادبی و استفاده بی‌اجازه از آثار ترانه‌سراها اتفاق جدید در دنیای موسیقی ما نیست. اما چرا چنین اتفاق غیرفرهنگی‌ای در میان فرهنگیان و اهالی موسیقی ما رخ می‌دهد؟ بهنام صفوی، خواننده پاپ، درباره این اتفاق و ضربه آن به دنیای موسیقی به «ابتکار» می‌گوید: به نظر من این جریان چون جریانی ریشه‌ای و فرهنگی است، نمی‌شود مقطعی آن را بررسی کرد ولی در کل این اتفاق مسئله خوبی نیست و باید به صورت فرهنگی روی آن کار شود. خصوصا رعایت نشدن کپی‌رایت در مورد آثار خود ما هم در فروش آثارمان بسیار ضرر می‌زند و این دزدی بزرگی است.

این خواننده درباره حکم صادر شده درخصوص پرونده شکایت اردلان سرفراز و نتایج آن در وادی موسیقی می‌گوید: اگر سلسله مراتب در آن رعایت شود خوب است. اما اینکه این کار به صورت گزینشی و سلیقه‌ای باشد نه. من فکر می‌کنم این قضیه سلیقه‌ای بوده و کلی نیست. به نظر من باید از ریشه قانونی در این باره مدون و اجرا شود. و این قضیه همه چیز را دربر می‌گیرد، چه ملودی، چه فروش، چه ترانه. همه جوانب داستان باید قانون‌مند شود.

این ماجرا نقطه روشنی است

نیما مسیحا، خواننده، درباره رعایت کپی‌رایت در میان اهالی موسیقی و در مورد آثارشان به «ابتکار» می‌گوید: من در این مورد زیاد صحبت کرده‌ام اما متأسفانه راه به جایی نبرده‌ایم. متأسفانه تاکنون در رابطه با کپی‌رایت اقدامی ندیده‌ایم. اگر ماجرای شکایت آقای سرفراز و حکم درست باشد، اتفاق خوبی است که به شکایت یک ترانه‌سرا رسیدگی کرده‌اند اما قبل از این ماجرا اقدامی در خصوص کپی‌رایت ندیده‌ام. هر چه ما یا دوستان‌مان می‌گفتیم کارمان را دیگران استفاده می‌کنند، اقدامی صورت نگرفته است. حتی کار خود من سالیان سال در صدا و سیما پخش می‌شود در صورتی که طبق کپی‌رایت باید حق و حقوق من به عنوان صاحب اثر پرداخت شود که نمی‌شود.

او در مورد قوانین حمایتی از آهنگسازان و خوانندگان درباره استفاده از ملودی آثارشان توسط دیگران می‌گوید: خارج از ایران قوانینی در این زمینه وجود دارد اما داخل ایران چنین قانونی وجود ندارد. اما چنین اتفاقی در صورت صحت اتفاق خوبی است و جای امیدواری دارد که در این زمینه هم از صاحبان اثر حمایت شود. این پرونده و حمایت از صاحب اثر در آن نقطه بسیار روشنی است و من امیدوارم در آینده هم پرونده‌های مشابه به سرانجام برسد نه اینکه نافرجام بماند.

این که این حکم صحت دارد یا نه، زیاد اهمیت ندارد. مسئله قابل تأمل واکنش ما و اهالی موسیقی و ترانه نسبت به آن است. شاید قصد و نیت این سه خواننده واقعا سوءاستفاده از آثار اردلان سرفراز نبوده اما حمایت قانون از یک ترانه‌سرا اتفاقی است که می‌تواند سرآغاز فصل جدید و خوبی در دنیای موسیقی کشور باشد.

این قرص را بخورید تا ادیب شوید!

تجربه و تاریخ دست‌به‌دست هم ثابت کرده‌اند که تنها آن‌ها می‌مانند که برای ماندن تلاش می‌کنند نه برای دیده‌شدن‌های موقت.

به گزارش هنرآنلاین، شاعران و داستان‌نویسانی که چندصباحی از نوشتن‌شان می‌گذرد، اغلب با این پرسش خود را نگران می‌کنند که برای بالارفتن از پله‌های ترقی، سوارشدن به آسانسورهای خوشبختی و هر چیز بالابرنده دیگر و رسیدن به جایگاهی رفیع در شاعری و قصه‌نویسی چه راهی را باید طی کنند. آن‌ها به قفسه کتاب‌هایشان نگاه می‌کنند و شاعران و داستان‌نویسان بزرگی را رصد می‌کنند که روزی در جایی ایستاده بودند که هم‌اکنون خودشان ایستاده‌اند. در عین حال، می‌دانند که ممارست و تلاش بسیاری لازم است و این حوصله را در خود نمی‌بینند. بدیهی است که ما به آن‌ها پیشنهاد می‌کند، بخوانند و بخوانند و هر روز به دانستگی‌های خود اضافه کنند و همچنین تنها به سرنوشت آن‌هایی که به ویترین کتاب‌فروشی‌ها راه یافته‌اند فکر نکنند. تجربه و تاریخ دست‌به‌دست هم ثابت کرده‌اند که تنها آن‌ها می‌مانند که برای ماندن تلاش می‌کنند نه برای دیده‌شدن‌های موقت. با این حال در این گزارش، جاده‌ای را تصور کرده‌ایم که طی کردن آن اغلب به نتیجه رسیده، البته اغلب برای آن‌ها که چندان حوصله و وقت و این‌ها ندارند! مدتی است چیزهایی می‌نویسید که احتمال می‌دهید بشود به آن‌ها گفت شعر یا داستان. در این مرحله شما احساس می‌کنید «شاعر» یا «داستان‌نویس» شده‌اید. البته تشخیص این‌که واقعا شده‌اید یا نه با شما نیست، این متن شماست که باید بگوید چند مرده حلاجید. خب، پس از بروز آن احساس، شایع‌ترین نیازی که سراغ‌تان می‌آید، نیاز به عرضه و دیده‌شدن اثرتان است. اعضای خانواده و جمع محدود دوستان، البته اگر در این وادی باشند، تعداد راضی‌کننده‌ای نیستند. در شهری که زندگی می‌کنید، حتما هستند جلسات یا انجمن‌هایی که شاعران و داستان‌نویسان در آن جمع می‌شوند و کاری را می‌کنند که این احساس نیاز شما را می‌تواند برطرف کند. پس با شرکت در این جلسات، تعداد مخاطبان‌تان تا حدود صد نفر افزایش پیدا می‌کند در جلساتی که در آن‌ها شرکت می‌کنید، عده‌ای شرکت می‌کنند که به آن‌ها می‌گویند مسوولان صفحات ادبیات نشریه‌های محلی. اگر آن‌ها سراغ شما آمدند که هیچ، در غیر این صورت می‌توانید آثارتان را در اختیار آن‌ها بگذارید و با انتشار آثارتان، و با توجه به تیراژ چندهزارتایی این نشریات، مخاطبان‌تان سه رقمی هم می‌شوند. در همین جلسات، هستند کسانی که وظیفه بومی و ملی خود می‌دانند که شعر یا داستان شهرشان را به اقصی‌نقاط کشور صادر کنند. آن‌ها اغلب در پی انتشار کتاب‌هایی هستند که ادبیات شهرشان را نمایندگی کند و عنوانش هم احتمالا باشد «مجموعه شعر یا داستان شهر فلان». باز هم اگر آن‌ها سراغتان نیامدند، نگذارید فقط رفقای خودشان را کشوری کنند؛ آثارتان را در اختیارشان قرار دهید و منتظر اولین بروز و ظهورهای مکتوب‌شدن‌تان بمانید. به انتشار آثارتان در این‌گونه کتاب‌ها قانع نشوید. گوش به زنگ که باشید، خبرهایی می‌شنوید یا روی در و دیوار انجمن‌ها یا اداره فرهنگ و ارشاد شهرتان فراخوان‌هایی را می‌بینید که از شما می‌خواهند در جشنواره‌های شعر و داستان شرکت کنید. این جشنواره‌ها از آن روی که اغلب از سوی نهادهای دولتی برگزار می‌شوند، کم‌تر موضوعات آزاد را پوشش می‌دهند. البته وسوسه برگزیده‌شدن در این جشنواره‌ها، شناخته‌ترشدن و صله‌ای اغلب چند سکه‌ای را نمی‌توانید فراموش کنید. این‌جای داستان دیگر با شماست که بخواهید در موضوعاتی که احتمالا دوست ندارید، اثری تولید کنید یا نه. اگر در جشنواره‌های استانی و کشوری مقام آوردید، آن‌ها اغلب، آثار برگزیده را در قالب کتابی منتشر می‌کنند. پس شما تا کنون دو کتاب که اولی را با ادبیاتی‌های شهرتان و دومی را در مقیاسی بزرگ‌تر با برگزیده‌های جشنواره‌های استانی یا کشوری مشترکید، در کتابخانه‌تان دارید. حالا می‌توانید برای نشریه‌های تخصصی ادبیات هم آثارتان را ارسال کنید. شما در نزدیکی انتشار اولین کتاب‌تان نزد ناشری نسبتا خوب هستید. اگر می‌خواهید ناشر بهتری روی کتاب‌تان سرمایه‌گذاری کند، یک راه تکمیلی خوب به شما پیشنهاد می‌کنیم. اگر روند مطالعاتی سفت و سختی داشته‌اید و علاوه بر توانایی تولید متون خلاقه، دستی هم در بررسی و نقد ادبیات دارید، شروع کنید به انتشار نقدها و یادداشت‌های‌تان در نشریه‌های تخصصی ادبیات یا روزنامه‌های عمومی. اگر آثار روز را بررسی کنید و البته خودمانیم مقداری هم به سلایق و آرای صاحبان آن نشریات گوشه چشمی داشته باشید انتشار نقدهای‌تان قطعی است. با این اوصاف شما جلوی اسم‌تان می‌توانید علاوه بر شاعر یا داستان‌نویس، یک اسم دهن‌پر کن دیگر هم بنویسید: منتقد ادبی. در این‌جا که ایستاده‌اید چند سرنوشت در انتظار شماست: اگر اتفاق اول برای‌تان بیفتد اندک‌اندک از این جاده خارج می‌شوید و گر نه به مسیرتان ادامه می‌دهید و به مراحل بعدی می‌رسید. مسیر انحرافی: شما قرار بود از اعتبار نامی که از نوشتن نقد ادبی در نشریات کسب کرده‌اید برای پیداکردن ناشری هر چه معتبرتر استفاده کنید، اما حالا آن‌قدر به این کار ادامه داده‌اید که به حوزه‌های دیگر روزنامه‌نگاری هم وارد شده‌اید و برای تامین هزینه‌های زندگی دست کم دو شیفت در نشریات کار می‌کنید. دیگر وقتی برای رسیدن به ادبیات برای‌تان نمانده... همین جا از جاده خارج شده و با شمایل شاعر یا داستان‌نویس خداحافظی تدریجی اما تلخی را تجربه می‌کنید.

حالا شما اسمی هستید در حد خودتان، کمی بیش‌تر یا کم‌تر. این کمی بیش‌تر یا کم‌تر واقعا بستگی صرف به نکات معمول مثلا این‌که شما چقدر دانش و توانایی ادبی کسب کرده‌اید، ندارد. اگر حواستان به یک‌سری ملاحظات جمع باشد، در جای بهتری حتی نسبت به آن‌چه باید باشید ایستاده‌اید و برعکس. این را به این علت نمی‌شود پیش‌بینی کرد که هیچ‌چیز سر جای خودش نیست. به قول یکی از همکارانِ خودتان «وقتی همه چیز سر جای خودش است حتما یک‌جای کار می‌لنگد»! ناشرانی که به آن‌ها مراجعه می‌کنید، چند دسته‌اند. یا جزو درجه سوم‌ها هستند که خب... بدیهی است اگر می‌خواستید با آن‌ها همکاری کنید، نیازی به طی این مسیر پر پیچ و خم نبود. ناشران درجه دوم، یک شباهت و یک تفاوت بزرگ نسبت به ناشران درجه سوم دارند؛ شباهت‌شان در این است، احتمال این‌که آن‌ها صددرصد در هزینه‌های انتشار کتاب‌تان سرمایه‌گذاری کنند اندک است و در بهترین شکل، از شما می‌خواهند در این امر مشارکت کنید و تفاوت‌شان هم در این است که کتاب‌تان را در شکل و شمایلی بهتر چاپ و پخش می‌کنند. اگر چند کتاب اول‌تان را با ناشرانی درجه دو منتشر کردید، بخت شما برای انتشار کتاب‌های بعدی‌تان نزد ناشران معتبر درجه یک بیش‌تر شده است. قبلا هم گفتیم که هیچ چیز تضمین‌شده نیست و این راهی است که بنا بر انبوه راه‌های تجربه‌شده، نزدیک‌ترین روش برای رسیدن به آخر خط! یا ببخشید در واقع رسیدن به بهترین ایستگاه برای کسب شمایل شاعر یا نویسنده‌بودن به نظر می‌رسد.

آگهی

شاکی (آقای مرتضی چکانی حاجیوند) شکایتی علیه متهم (جواد ایرانشاهی) مطرح که جهت رسیدگی به شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی قدس واقع در تهران، خیابان اشرفی اصفهانی، نبش نیایش، مجتمع قضایی قدس ارجاع و به کلاسه پرونده ۹۵۱۱۳۹/۱۱۶۳ ثبت گردیده وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ ساعت ۱۱:۰۰ صبح تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن متهم و درخواست شاکی و به تجویز ماده ۳٤٤ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم شکوائیه و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حهت رسیدگی حاضر گردد.
۵۵۵۷۸/م الف مدیر دفتر دادگاه کیفری ۲ (۱۱۶۳ جزایی سابق) مجتمع قضایی قدس تهران- سعید عسگری

آگهی

شاکی (آقای مهدی بینایی) شکایتی علیه متهم (آقای پرویز خوش پسند) مطرح که جهت رسیدگی به شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی قدس واقع در تهران، خیابان اشرفی اصفهانی، نبش نیایش، مجتمع قضایی قدس ارجاع و به کلاسه پرونده ۹۶۰۹۰۶/۱۱۶۳ ثبت گردیده وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ ساعت ۰۸:۳۰ صبح تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن متهم و درخواست شاکی و به تجویز ماده ۳٤٤ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم شکوائیه و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حهت رسیدگی حاضر گردد.
۵۵۵۷۹/م الف مدیر دفتر دادگاه کیفری ۲ (۱۱۶۳ جزایی سابق) مجتمع قضایی قدس تهران- سعید عسگری

آگهی

شاکی (آقای رضا کرمانشاهی) شکایتی علیه متهم (فرزاد مهتاویان) مطرح که جهت رسیدگی به شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی قدس واقع در تهران، خیابان اشرفی اصفهانی، نبش نیایش، مجتمع قضایی قدس ارجاع و به کلاسه پرونده ۹۲۰۴۶۹/۱۱۶۳ ثبت گردیده وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ ساعت ۰۹:۰۰ صبح تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن متهم و درخواست شاکی و به تجویز ماده ۳٤٤ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم شکوائیه و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حهت رسیدگی حاضر گردد.
۵۵۵۸۰/م الف مدیر دفتر دادگاه کیفری ۲ (۱۱۶۳ جزایی سابق) مجتمع قضایی قدس تهران- سعید عسگری

آگهی

شاکی (آقای ایمان پرواز) شکایتی علیه متهم (علی اصغر فراهانی) مطرح که جهت رسیدگی به شعبه ۱۱۶۳ دادگاه عمومی جزایی تهران مستقر در مجتمع قضایی قدس واقع در تهران، خیابان اشرفی اصفهانی، نبش نیایش، مجتمع قضایی قدس ارجاع و به کلاسه پرونده ۹۶۰۴۲۲/۱۱۶۳ ثبت گردیده وقت رسیدگی آن ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ ساعت ۰۸:۳۰ صبح تعیین شده است. به علت مجهول المکان بودن متهم و درخواست شاکی و به تجویز ماده ۳٤٤ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا متهم پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم شکوائیه و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق حهت رسیدگی حاضر گردد.
۵۵۵۸۱/م الف مدیر دفتر دادگاه کیفری ۲ (۱۱۶۳ جزایی سابق) مجتمع قضایی قدس تهران- سعید عسگری

شناسنامه سواری پراید رنگ سفیدروغنی مدل۱۳۸۷ به شماره پلاک ۷۳-۵۹۳ص۶۷ به شماره موتور ۲۴۳۲۹۴۰ به شماره شاسی s۱۴۱۲۲۸۷۷۶۵۵۸۰ به نام محمدرضا دهقانی مفقودوفاقداعتبار میباشد.

سند سواری پیکان رنگ سفید معمولی مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۴۹-۵۸۹ب۸۷ به شماره موتور ۱۱۱۵۸۲۹۵۷۰۲ به شماره شاسی ۸۲۴۸۵۱۶۲ به نام سلیمان دانش مقدم مفقودوفاقداعتبار میباشد.

شناسنامه سواری-سندفروش وبرگ سبز سواری پیکان مدل۱۳۸۳ به شماره پلاک ۴۹-۸۸۳ب۳۶ به شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۲۳۳۲۸وشماره شاسی۱۰۰۱۸۵۳۴ به نام فری برز قائدی جدول قدم مفقود وفاقداعتبار میباشد.

سند وبرگ سبز خودروی سواری سمند LXبه رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۱۲۴K۰۷۵۱۷۱۴وبه شماره شاسی NAAC۹۱CE۰FF۰۴۵۹۷۲ وبه شماره پلاک ۳۹ ج ۶۶۹ ایران ۴۹ به نام محمد حاتمی مفقود و فاقد اعتبار می باشد .

سند وبرگ سبز خودروی وانت پیکان به رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۱۴۸۶۰۷۵۹۴۹به شماره شاسی۳۱۶۷۳۳۳۷به شماره پلاک ۲۷ ب ۳۷۶ ایران ۸۳ به نام پروین دارابی مفقود و فاقد اعتبار می باشد .

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی به خانم زهرا چرخی گر و آقای هادی داوری

شاکی خانم عشرت تیموری شکایتی علیه خانم زهرا چرخی گر و آقای هادی داوری به اتهام سرقت و مشارکت در تخریب مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۰۲۹۸۹۰۰۳۵۱ شعبه ۱۱۳۸ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مطهری تهران (۱۱۵۲ جزایی سابق) ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ ساعت ۱۲:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۱۷٤ قانون آئین دادرسی کیفری به علت مجهول المکان بودن متهمان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الانتشار آگهی می گردد تا متهمان ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی درداد گاه حاضر گردند.
۵۵۵۸۲/م الف منشی دادگاه کیفری شعبه ۱۱۳۸ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی شهید مطهری تهران (۱۱۵۲ جزایی سابق)- سیامک محمدی آرا

آگهی حصر وراثت

آقای بهرام فرجی به وکالت از خانم کلثبین غلامی، به استناد وکالتنامه شماره ۳٤۲۸ به شماره شناسنامه ۱٤، مطابق دادخواست تقدیمی به کلاسه پرونده ۸۰۲/۲۲۰/۹٤ از این شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان قضه غلامی به شماره شناسنامه ۱۰ در تاریخ ۸۰/۰۵/۲۶ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: ۱- اسرافیل غلامی، شماره شناسنامه ۵۲۵ متولد ۱۳۳۲/۶/۱۶، صادره از میانه، برادر متوفی. ۲- محمد غلامی، شماره شناسنامه ۵، متولد ۱۳٤۷/۰۱/۰۲، صادره از میانه، برادر متوفی. ۳- خانم کلثبین غلامی، شماره شناسنامه ۱٤، متولد ۱۳۱٤/۰٤/۰۵، صادره از میانه، خواهر متوفی و مرحوم ورثه دیگری ندارد. اینک با انجام تشریفات مقدماتی، درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۱ قانون امور حسبی در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به شعبه تقدیم دارد والا گواهی مربوطه صادر خواهد شد.
۱۱۰/۱۲۷۹۵۱ شعبه ۲۲۰ شورای حل اختلاف شماره ۵ تهران